

سرشت کدام حکومت دگرگون شده است ؟ شوروی یا ایران ؟

روزیونیست های ایران دوستی حکومت امروزی شوروی و حکومت محمد رضاشاه را اینطور توجیه میکنند که حکومت اخیر در اثر مداخلت سیاست خردمندانه اتحاد شوروی در اثر تغییر تناسب قوا در عرصه جهان در اثر خواست مردم ایران بالاخره از روش ضد کمونیستی در سیاست خارجی روی گردانده است و از این جهت روزیونیست های ایران بهبود روابط شوروی و ایران را پدیده ای مثبت و کامی در راه تأمین استقلال ایران تلقی میکنند .

روزیونیست ها با این تحلیل خود در عمل ضد انقلابی انجام میدهند زیرا اینکه سیاست روزیونیستی حکومت امروزی شوروی را در تقویت رژیم ضد ملی و ضد تشاندو امپریالیسم میپوشانند و دیگر اینکه حکومت محمد رضاشاه را مبارزانه تحولات عمده ای که در سالهای اخیر در روابط شوروی و ایران بظهور رسیده از دو منبع سرچشمه میگیرد : یکی تغییر ماهیت سیاست اتحاد شوروی و دیگر تعریف شکل سیاست ضد کمونیستی رژیم ایران .

برای درک تحولات مذکور باید در نظر داشت که دوستی حکومت امروزی شوروی با حکومت ایران پدیده ای استثنائی در سیاست شوروی نیست . دوستی مذکور گوشه ای از زمینه سیاست خارجی امروزی شوروی است که همزیستی مسالمت آمیز پی پرنسپ خردشنجفی را بجای انترناسیونالیسم پروتلری نشانده است . این سیاست در عمل بصورت همکاری با امپریالیسم آمریکا، توطئه بر علیه استقلال ملت‌ها، تقویت دول ارتجاعی و ضد تشاندوهای آسیا و آفریقا و امریکای لاتین درآمده است .

تقویت رژیم محمد رضا شاه جزئی از این مجبوره است و در درون سیاست کلی امروزی شوروی کاملاً قابل درک است .

وقتی که محافل ارتجاعی و روزنامه های سازمان امنیت ایران می نویسند و تکرار میکنند که برای ایران دیگر خطری از جانب شمال وجود ندارد، سخن آنها به چه معنی است؟ آیا بدان معنی است که تا دیروز از جانب شمال خطری شوجه خلقی ایران، استقلال و تمامیت ایران بوده و امروز با برخاستن آن موجب خوشنودی این محافل و جرائد فراهم شده است؟ - بدیهی است که به این معنی نیست . گمانی که به قیمت غارت و چپاول شکجه و اعدام خلقهای ایران زنده اند، گمانیکه استقلال و تمامیت ایران را بر نخته، حراج نیامده اند از جنب چائینی نگران نمی شوند . مگر آنی آنها از جانبی است که خلقها چشم میداندان دارند . آنها و شکجه از خطر سخن میگویند منظورشان خطری است که سلطه اهریمنی خود آنها را تریب بی کران خود آنها را، وطن فروشی بیدریغ خود آنها را تهدید میکند و اگر امروز از طرف خطر شمال به مستی شادمانی میاندند، بدان معنی است که دیگر حکومتی که با اجرای وظائف انترناسیونالیستی خود مدافع مردم ایران باشند در سده های و وطن فروشانه محافل فرمانروای ایران باشند در همسایگی ایران وجود ندارد - دیگر این نیروی الهام بخش انقلاب ایران از مرزهای شمال دور شده است . دیگر از آن ...

بقیه در صفحه ۳

نگته ای چند در باره مبارزه قهرآمیز

اینکه میگویم مبارزه قهرآمیز شکل عمده و غالبی مبارزه است بجهت معنی است ؟

بآن معنی است که شکل مسالمت آمیز مبارزه تابعی از این شکل است ، بر طبق مقتضیات آن ، در جهت آن و بمنظور تحقق یافتن و تقویت توسعه آن صورت میگیرد . نبرد قطعی و آخرین قسط بشکل قهرآمیز مبارزه بوقوع می پیوندد .

هر مبارزه اقتصادی و یا سیاسی ممکن است بشکل مسالمت آمیز و یا قهرآمیز بروز کند . وقتی که کارگران برای ارتقاء دستمزدها کاهش ساعات کار بنگاشتن اعتراض نامه بکارفرما و دولت اگفا میکنند، مبارزه آنها مسالمت آمیز است و آنگاه که بهمین منظور دست به اعتصاب میزنند و کارخانه را با شغال خود در پی آورند و نگهبانان خود را بر آن میکشند مبارزه آنها قهرآمیز است . وقتی که توده های مردم برای بدست آوردن آزادی احزاب در چهارچوب قوانین و مقررات موجود دست به تظاهرات میزنند یا در روز آنها مسالمت آمیز است و آنگاه که با هر سر قوانین و مقررات هیئت حاکمه میگردد ، با پلیس و ارتش درمیافتند ، میزنند و می خورند ، میشوند و کشته میشوند، مبارزه آنها قهرآمیز است .

شکل قهرآمیز مبارزه در تگائل خود درجه درگیری مسلحانه با نیروهای مسلح دولتی میانجامد و سرنضت حکومت را تعیین می کند . پارتیزانها و ارتش توده های موثرترین مبارزان سیاسی هستند از یک سو امکانات آنان در این زمینه از حیثه هرگونه مبارزه مسالمت آمیز بیرون است و میتوانند باتانک تفنگ خویش بدانند .

دارترین و ژرف ترین مبارزه سیاسی دست بزند و از سوی دیگر پیشرفت و گامیابی آنان وابسته برهبری شایسته این مبارزه است .

کسانیکه مبارزه سیاسی را از مبارزه قهرآمیز جدا میسازند و به آن کم بها میدهند در واقع مبارزه قهرآمیز را از مخزون خود تپمی میکنند ، آنها بصورت اعدای بچ و بی هدف در میآورند ، موجب انفراد آن میشوند و طبیعتاً آنها شکست میخورند .

مارکسیست ها - لنینیستها از هیچ یک از اشکال مبارزه

روگردان نیستند . این ادعای روزیونیستها که کوبا ایگان فقط بشکل قهرآمیز مبارزه معتقد اند و آنها در هر زمان و مکانی بسد و توجه بشرا بط وجود تجویز میکنند آنها می بینند و هدفش ایجاب سرکشتگی در درک تأکید پارکسیستها - لنینیستهاست .

اینان معتقد اند که باید از هر شکل مبارزه از مسالمت آمیز گرفته تا قهرآمیز ، از علنی گرفته تا مخفی ، از قانونی گرفته تا غیر قانونی ، بوقوع خود استفاده کرد . هر یک از این اشکال مبارزه که فروگذار شود امکانات بزرگی از دست رفته است . ولی در عین حال نباید همه شکلهای مبارزه را از لحاظ تاثیر در تیرد طبقاتی در یک عرض نهاد . شکل قهرآمیز مبارزه شکل عمده و عالی آن است . رژیم حاکم را جز با مبارزه قهرآمیز نمیتوان ساقت ساخت ، باید در همان حال که پارتیزانها و ارتش توده های بمبارزه قهرآمیز مشغول اند در شهرها بتدارک تظاهرات و اعدا امات قوتناکین مانند ، نمایش زنان و مادران و خواهران به منظور جلوگیری از اعزام سربازان به جبهه ، اعتصاب کارگران به منظور تضعیف دستگاه دولتی

بقیه در صفحه ۲

یادی از ۱۶ آذر

روز شانزدهم آذرماه سال برای چهاردهمین بار سالگرد یکی از یورشهای رژیم شاه بصفحه دانشکاه قتل به دانشجوی ضد رژیم بزرگ نیا ، قفسه چی ، شریعت رضوی تکرار کردید .

در این روز دانشجویان دانشکاه تهران علیه اشغال دانشگاه توسط قوای مسلح رژیم کودتایه اعتراض برداختند . تنها با سخ روزم شاه بآنها رگبار مسلسل بود . تعداد زیادی از دانشجویان مجروح گردیدند و سه تن از آنها - بزرگ نیا، قفسه چی شریعت رضوی بشهادت رسیدند .

دانشجویان تمام مردم ایران همیشه این دانشی محمد رضا شاه را که شخصاً دستور حمله بدانشگاه و تپیاران دانشجویان را داده بود فراموش نمیکنند .

مانیز بناسیت چهاردهمین سالگرد این فاجعه ننکین خا - طر نشان میسازیم که خاطره بزرگ نیا ، قفسه چی ، و شریعت رضوی ، مانند خاطره سایر شهدای راه استقلال و آزادی ایران همواره در براینجا جاویدان و کرامی خواهد ماند .

جنگ توده ای پیروز مند در ویتنام

فام وان درون نخست وزیر جمهوری دموکراتیک ویتنام بناسیت پیوسته دومین سال تاسیس آن جمهوری نطقی ایراد کرد که خلاصه ای از آن بنظر خوانندگان گرامی میرسد .

و اعتراضها آنها روی آورده اند اینک امپریالیسم آمریکا درین بست افتاده است . شکست او ناگزیر است . این فقط نظر مائیت بلکه افکار عمومی جهان و بسیاری از محافل آمریکا نیز باین نتیجه رسیده اند . بنا به اعتراف رئیس جمهور در گذشته آمریکا ، کندی ، آمریکا در ویتنام جنوسی در توتل بن بست گرفتار آمده است واشنگتن بامید آنکه از این بن بست بیرون آید جنگ تجاوزکارانه را پس از هوشمندی شدت و توسعه میدهد . اما هر عروج تازه موجب شکست و خپیزی میشود و این امر باز هم به تریبایت میکند که هیچ سفری برای واشنگتن نیست خلق ما باید پیش از هر زمان بسر هشیاری خویش بیفزاید و برای مقابله با هر پیش آمدی آماده باشد .

شده و کلیه مانورهای خطرناک و عملیات ماجراجویانه امریکارا پساً بیکار خود در هم شکند .

دولت پرتغالی مسایکون

مقرض استرانی واشنگتن در هر دو ریزانه خود که یکی نظامی و دیگری سیاسی (استقرار آرامش) است آسیب بسیار دیده است . دلپیش این است که قشرهای مختلف مردم در ویتنام جنو بی که متفقاً در زیر پرچم جبهه ملی نجات بخش گرد آمده اند ، و چهره منفور ارتش و دولت پرتغالی را بر روشنی دیدند ، پیش از هر زمان با شور روز افزون در مبارزه بر علیه تهاجم امریکارو بخاطر نجات ملی شرکت میجویند .

بقیه در صفحه ۳

واشنگتن درین بست است پیروزیهای ما و شکستهای دشمن که در واشنگتن و در سراسر جهان ظنین انداخته موجب تشدید دشواریها و گرفتاریهای واشنگتن گردیده است . بودجه آمریکا در سال مالی جاری نشان دهنده کیود بیسابقه ایست . مسافرخ جنگ ویتنام برنامه عوامفریبانه جانسون را در مورد "جامعه بزرگ" برهم زده است . افزایش عظیم مالیاتها موجب ناخشنودی کلیه قشرهای اهالی شده است . قدرت اقتصاد آمریکا و موقعیت آن حتی در دنیای سرمایه داری پیوسته رویه تنزل است .

جنبش سیاهان که با دامنه و نیروی بیسابقه در تاریخ آمریکا گسترش یافته بصورت بیعی ساعت شمار در قلب جامعه سرمایه داری آمریکا عمل میکند . این جنبش نشانده مرحله جدیدی از مبارزه بر علیه تبعیض نژادی و بخاطر تحصیل حقوق اساسی سیاهان در آمریکا است . خلق ما مجدانه و بی کم و کاست از این مبارزه عادلانه سیاهان پشتیبانی میکند و به پیروزی نهایی آن ایگان دارد . مبارزه طبقه کارگر آمریکا در راه حقوق اقتصادی و دموکراتیک و همچنین اعتراض خلق آمریکا بجنک تجاوز کارانه در ویتنام هر روز وسعت بیشتری مییابد

در عرصه بین المللی امپریالیست های آمریکائی که چهره تجاوزکار و مزور خود را روز به روز بیشتر نشان میدهند مورد کینه و اعتراض خلقها قرار گرفته اند . بسیاری از متحدان نشان نسبت بانها سرد تعه اند و حتی برخی به جدائی از آنها

مشی جدید توفان و یگی از خوانندگان

از زمانیکه "توفان" برخط مشی ناروشن و نوسان آمیز خود قلم بطلان کشیده و با فاطمیت جهان بینی علمی را راهنمای خویش قرار داد، از زمانیکه نشریه توفان ارگان یک سازمان مارکسیستی لنینیستی اعلام گردیده نامه های تشویق آمیز بسیاری به دفتر توفان می رسد که ما را در کار خطیری که بر عهده گرفته ایم دل گرمی میبخشد. ما انتظار داریم که این دوستان همچنان ما را با پشتیبانی و کمکهای مادی و معنوی خود، دلگرم سازند. معذک یکی از علاقمندان نشریه توفان طی نامه ای ما را در اقدامیکه بدان دست زده ایم نکوهش میکند. این خواننده توفان بر آنست که راهی که ما در پیش گرفته ایم "در جهت تضعیف جنبش جهانی کمونیستی و لطمه به حیثیت مارکسیسم لنینیسم است؛ کلیه دوستان روشن بین با این روش پشیمت مبارزه خواهند کرد". گویا تا هنگامیکه توفان راه معین و روشنی نداشت، تکجهان و خادم مارکسیسم لنینیسم بود و دوستان "روشن بین" نه تنها با آن به مبارزه بر نمیخاستند بلکه "پخش و فروش روزنامه توفان و نشریات آن" را نیز بر عهده میکردند اما اکنون که نشریه و سازمان توفان راه طبقه کارگر را برگزیده و جهان بینی طبقه کارگر را راهنمای اندیشه و عمل خویش قرار داده است باید بآن "به شدت" به مبارزه برخاست زیرا که گرویدن به راه و جهان بینی طبقه کارگر گویا در جهت تضعیف جنبش جهانی کمونیستی و لطمه زدن به حیثیت مارکسیسم لنینیسم است. برخلاف نظریه خواننده گرامی، در شرایط کمونی کشور ما که جنبش کمونیستی آن از راه طبقه کارگر دوری گزیده و راه سوسیالیسم را در پیش گرفته است، در شرایط کمونی جهانی کبر اترشالیت مغربخویش و همدستان او به حیثیت و اعتبار حزب کمونیسم لنینیسم به اعتبار سوسیالیسم حوتی به حیثیت و اعتبار حزب کمونیست و دولت اتحاد شوروی لطمات فراوانی وارد آمده است و ایجاد سازمان مارکسیستی - لنینیستی توفان نقض در جهت تضعیف جنبش کمونیستی جهانی نیست؛ نه تنها به حیثیت مارکسیسم لنینیسم لطمه نمیزد، بلکه در جهت احیای جنبش کمونیستی ایران و تقویت جنبش کمونیستی جهانی است.

این خواننده گرامی با زهم مینویسد: "نجریاتی که در اثر توحو لاتین چند ساله اخیر رفیقان جهانی بدست آمده همان نظر جهانی وجهه در زمینه مسائل مربوط بکشور ما، نادرست بودن روش شمارا بر بسیاری از همزمان و دوستان که در ابتدا به علت عدم فهمی و توجیه و اقصیات عینی کورگورانه به تئوریهای رهبران چینی و بیروان ایرانی آنان سمیاتی نشان دادند بطور کلی آشکار و روشن نمود است". از این جملات متاسفانه هیچوجه معلوم نیست از کدام تجربیات کتکو میروید، مشی ما چه منی است و نادرست بودن آن در کجاست ما بعکس آنچه که خواننده گرامی مدعی است درست بر اثر توجیه بیات سالهای اخیر چه در زمینه مسائل مربوط بکشور خود و چه در زمینه مسائل بین المللی و درست به علت تعمق در این تجارب و توجیه به اقصیات عینی، به پزیر گذشتن از مراحل مختلف مبارزه راه خود را برگزیده و به صحت آن ایمان کامل داریم. ما در همین شعبه ره طرح برنامه کار و وظائف فوری خود را انتشار داده و از همه علاقمندان به انقلاب ایران خواستیم آثار و برد انتقاد قرار دهند و هرچنانکه نادرستی در آن می بینند بما تذکر دهند. ما بدون شک به این انتقادات عینا گوش فرا خواهیم داد. از این خواننده گرامی می توفان نیز انتظار داریم جملات قدردهای را که در نامه خود شتو و حکم کلی را که صادر کرده است بشکافت و بطور مشخص نادرستی خط مشی ما را روشن سازد. اما آنچه که در مورد رهبران حزب پر افتخار کمونیست چین گفته شده نظر ما صریح و بی پرده است و آنچه ماوتسه دون مارکسیسم لنینیسم دوران ما است. عناصر و مکتب این اندیشه عبارت است از مارکسیسم - لنینیسم با نظام احکام و تئوریهای که پرانیک انقلاب چین به کجینه مارکسیسم - لنینیسم افزوده است. صحت اندیشه ماوتسه دون را نه تنها پیروزی انقلاب کبیر خلق چین بلکه جریان مبارزات انقلابی خلقها و رویدادهای جهان طی پانزده سال اخیر بخوبی با اثبات رسا - نده است. ما هم چنین بر آنیم که در حال حاضر چین مرکز انقلاب بیرونی است. جهان بینی - لنینیسم بدوران و این سخن بزرگ از غرب به شرق اروپا انتقال یافت و در نیمه اول قرن نوزدهم

ما و خوانندگان

اتحاد شوروی بود اکنون بسوی خاور گرانیده است. وفاداری به اندیشه ماوتسه دون، وفاداری به این مرکز انقلاب جهانی وجه تمایز میان مارکسیسم - لنینیسم و روزیونیسم است. جای بسی خوشوقتی است که امروز چکیده اندیشه و افکار ماوتسه دون در "کتاب سرخ" بزبانهای گوناگون و از آنجمله به فارسی در اختیار توده های وسیع مردم قرار گرفته است. این مجموعه حاوی کوشه هایی از مشی حزب کمونیست چین در زمینه های مختلف است. ماوتسه دون در یکی از آثار خود به درستی خاطر نشان میسازد که بدون تحقیق در امری اظهار نظر در آن خطاست این است که ما با اعتقاد راسخ به صحت این حکم به نویسنده گرامی نامه قرائت این کتاب و تعمق در آن را توصیه میکنیم. چیزی که در اندیشه ماوتسه دون در مشی حزب پر افتخار کمونیست چین چشم میخورد عبارتست از تکیه بر توده ها، اعتقاد عمیق به توده ها، توجه به توده ها، تشویق توده ها به مبارزه، اتکا به نیروی خود، نهراسیدن از مشکلات و ایقان به پیروزی نهایی، تکیه عمیق نسبت به دشمنان خلق و اطمینان کامل به شکست نهایی آنها، مهر و علاقه به یحده و محصور نسبت به توده های مردم و اطمینان کامل به پیروزی آنها، ایمان به طبقه کارگر و جهان بینی وی، پیگیری در انقلاب، دورگراسی واقعی، تکلیف انسانها در قبال خطا و اشتباهات خود و دیگران و غیره و غیره... آن سازمانیکه واقف است اندیشه ماوتسه دون را راهنمای خود قرار میدهند و بدان عمل میکنند نمیتواند از افتخار و پشتیبانی توده های مردم بر - خوردار نگردد. اگر کسانی پیدا شوند که خود را پیرو اندیشه ماوتسه دون بخوانند ولی رفتار و کردار آنها برخلاف اندیشه ماوتسه باشد، گناه از اندیشه ماوتسه نیست، گناه از این دشمنان اندیشه ماوتسه است که خود را در حرف پیرو آن معرفی کرده یا میکنند.

اما آنچه که مربوط به ما است "نقطه حرکت ما عبارتست از خدمت صمیمانه به خلق و جدانشدن از توده ها حتی برای یک لحظه" در همه موارد منافع خلق و نه منافع فرد یا گروه کوچکی را میدارگوشن. "ماوتسه دون" ما به خلق خدمت میکنیم و از این رو اگر تقاضای داشته باشیم از تندرک و انتقاد دیگران هراسی نداریم. نشان دادن تقاضای ما از طرف هر کسی که باشد جواز است و اگر او برحق باشد ما آن تقاضا را اصلاح خواهیم کرد. هرگاه پیشنهادی که او مطرح میکند بسود خلق باشد ما حتما بر طبق آن عمل خواهیم نمود. "ماوتسه دون" خواننده گرامی توفان از آنجا که از تضعیف جنبش جهانی کمونیستی نگران است و لطمه به حیثیت مارکسیسم لنینیسم او را به مبارزه و میدارد، اگر خود کمونیست نباشد دست کم باید هوادار استوار کمونیسم و جهان بینی کمونیستی باشد. از این رو جا دارد یادآور شویم که "کمونیستها باید پیوسته برای دفاع استوار از حقیقت آماده باشند، زیرا که حقیقت در جهت منافع خلق است، کمونیستها باید پیوسته برای اصلاح اشتباهات خویش آماده باشند. زیرا که اشتباه با منافع خلق در تضاد است" (ماوتسه دون)

نامه ای از ایران

بهمراه درودهای رفیقانه مختصری از آنچه در این شهر سرد مردمان این دیار میگذرد برایتان مینگارم و امیدوارم در آیدند بتوانند مطالب بیشتری ارسال دارم. وضع اقتصاد عمومی فوق العاده خراب و هزینه زندگی بسی نهایت با است. کار کم است و فقر همگانی پیوسته حاکم است. بطور مثال در پهنهها حاضرند با ماهی صد و پنجاه تومان سخت ترین کارها را انجام دهند. در یکی از کارخانه های قد هنگا - میکه عدای از کارگران از جمله متحدیان باسکول و سیلوا و آرز - مایشگاه کارخانه بعلت کمی مزد بیش از کارخانه اعتراض میکنند. رشم در جواب میگوید: "اگر تمیخواهید کار کنید بفرمائید بروید ما در نیمه با روزی شصت و پنج ریال استخدام خواهیم کرد". . . . بطور کلی در شهر ما کمی در آمده فقر تدریجی و سیاه روزی و گرانی اجناس سر به آسمان زده است. درجائی که مزد اغلب شا -

غلین سی الی هفتاد ریال است تخم مرغ دانه ای چهار ریال و نیم میباشد. میوه سبزی، لبتیات پنبه و کره - آنهم کره قلابی - که اصلا خرید نمیشود. خود دولت که بقول بعضیها "حافظ منافع مردم و مظهر برقراری یک عدالت نسبی اجتماعی" است ستم گرانه در استعمار و استحصال غارتگرانه طبقات ستمکش شریک است. خلدادر شهرها درها آموزشگار روز مزد با ماهی صد و پنجاه الی دویست تومان و پیشخدمت هائی که با ماهی نود تا صد بیست تومان کار میکنند در استخدام دولتاند. . . . این وضع شهر بود. وضع دهات بر مراتب از این بدتر است. . . . سرما یه درازن، زمین درازن و خود دولت به جنایات وحشیانه ای مشغول اند. از یهداشت که اصلا خبری نیست. بسیار با اصطلاح پدید - اشد و ادارات بهداشتی نیز جز وسائل تبلیغاتی چیز دیگری نیستند. در یک بخش که شامل نود پارچه ده است فقط یک دگر آنهم بدون دارو و بدون وسائل وجود دارد. در بخش های دیگر همین یک دگر هم وجود ندارد. مردم نیز تاگزینند اینهمه محرومیت ها و غارتگریها تحمل کنند و از ترس سرسریزه پلیس و مأمورین سازمان اطلاعات و امنیت و تازیانه زاندارم صدایشان در نیاید.

هزینه تحمیلی برگزاری جشن و مراسم تاجگذاری شاه نیز قوز بالا قوز مرد شده است. با یک سلسله عواقریبی و قیاحانه کوشش میشود بتمام این غارتگریهای بشیرمانه جنبه "تودخواهی" بدهند. ولی بیشتر این عواقریبی ها را طبقات پائین درک می کنند. آنها می بینند کسلا در دهاتی کشیده در سه و چوبه دارد، دانش آموزان مجبورند در اطافهای بدون پنجره شبیه آ - غل کوفتند از "سهاهیان انقلاب شاهانه" در سه اصطلاح انقلابی بیاموزند، در اینجا برای برگذاری جشن به هر "سهای دانش" مبلغ سه هزار ریال پول داده میشوند تا دهات را تزئین کنند. علاوه بر این از دهقانان نا چیزیا تهدید "داوطلبانه" پول جشن میکنند از چه های حاصل نیز که محتاج نان شب هستند "داوطلبانه" پول جشن گرفته میشود. ولی آنها بدین وسیله نضاد منافع دولت را با خواسته های مردم نشان دادند.

نمونه های دیگری از علیاتی که بوسیله مأمورین به مردم تحمیل شده است عبارتند از:

- ۱- تشکیل کمیتهای تاجگذاری از طرف دولت تحت نظر ارتش و سازمان امنیت و اودار کردن برخی از فرهنگیان و مغازه داران به شرکت و همکاری اجباری جهت برگذاری جشن و کر - فتن پول از مردم جهت ساختن طاق نصرتهای پرخرم و چراغانی شهر.
 - ۲- تهیه برنامه های تبلیغاتی و کارناوالهای مسخره به وسیله افراد ارتش.
 - ۳- نصب لوحه های یادبود در مرزین پرخرم که از آلبانان و بهد اشد و فرهنگ مردم غارت و تزدید شده است و بخاطر ثبت "مشور و انقلاب" قلابی شاه در آنها ساخته شده اند. هم چنین تصویقهای منحوس شاه و فرخ در همه جا.
- ایتماست نمونه هایی از برگذاری جشنهای فرمایشی تاج گذاری که گویا مردم "از دل و جان" در برگزاری آن کوشیدند. ما در این نامه گردیدیم صلح این اختصار با سه نقطه (. . .) نشان داده شده است. - توفان

نگه ای . . . بقیه از صفحه ۱ و جلب قستی از ارتش سبزی شهر و غیره و تیره برداخته شود. ولی هماغه اینها باید در جهت تقویت و توسعه مبارزه قهرآمیز و تابع آن باشد نه برعکس. این طرز طرح مسئله و لزوم درک دقیق و مراعات اکید ضاسبات میان مبارزات مختلف اقتصادی، سیاسی، علمی، مخفی و مسا - ملت آمیز و قهرآمیز ایجاد میکند، که حزب پیشاهنگ پرولتاریا رهبری مجموعه نهضت را در دست داشته باشد. بدون رهبر چنین حزی نمیتوان مضمون سیاسی شایسته ای مبارزه قهرآمیز بشمشیه، نمیتوان آنرا جان داد. از اینجهت مارکسیستها - لنینیست های ایران احیاء حزب طبقه کارگر را وظیفه بسر خود میشناسند. کسانیکه چنین وظیفه ای را منکرانند بیا آن ارزش لا - زم نمی نهند از مارکسیسم - لنینیسم بدوراند و این سخن بزرگ رفیق ماوتسه دون را از یاد برده اند که میگوید "حزب باید بر تفنگها فرمان دهد".

بقیه در صفحه ۴

چنگ ۰۰۰ بقیه از صفحه ۱ معارف سیاسی نظامی امریکا در سا. یکن و در واشنگتن غالباً نوکران خود رانای لایق فاسد همیشه میخوانند. ولی چگونه ممکن است که سگان شکاری آنها جز این باشند؟ در واقع شکست این کدی امریکائی انعکاسی از شکست امریکا در جنگ تجاویز گارانه در جنوب کشور ماست.

حل سیاسی مسئله ویتنام

در این مورد موضع ونظریه و برخورد خلق ویتنام دولت جمهور ری دمکراتیک ویتنام شمالی و جبهه ملی نجات بخش ویتنام جنوبی بسیار روشن و سیاه درست است. . . از آنجا که دولت امریکا تنها همکارانه به جنگ جنایت بار بر علیه جمهوری دمکراتیک ویتنام شمالی که کشوری مستقل و حاکم بر سرزمینش خویش و سوسیالیستی است مبادرت جسته است. وی باید بطور قطع و بدون شرط به بمبارانها و به هر عمل نظامی بر علیه جمهوری دمکراتیک ویتنام شمالی خاتمه دهد. استقلال و حاکمیت این کشور و سرزمین آنرا محترم بدارد. این خواست مشروع خلق ویتنام است و همچنین از متضامات بدوی حقوق بین المللی است. . . نا آنگاه که امریکا ثبات تجاویز ادامه میدهد مایه مایه کار خواهیم کرد. همدان طور که جبهه ملی نجات بخش ویتنام جنوبی اعلام داشته است. هم میهنان ما در جنوب عزم راسخ دارند تا وقتی که سایه امریکائی تجاویز از حاکم مین عزیز آنها بر افتد بچنگند. خلق ما هرگز تابع زور نخواهد شد و به مذاکره در زیر تهدید بمب تن در نخواهد داد. . . از آنجا که دولت امریکا به جنگ تجاویز گارانه در ویتنام دست زده است وی باید به تجاویز خاتمه دهد. این است راهی که به صلح در ویتنام می انجامد. وی باید بطور قطع و بدون شرط به بمبارانها و به هر عمل نظامی بر علیه جمهوری دمکراتیک ویتنام شمالی خاتمه دهد، کلیه سپاهیان خود و کشورهای دست نشانده خود را از ویتنام جنوبی بیرون برد. جبهه ملی تجاویز بخش ویتنام جنوبی را برسمیت بشناسد. بگذار که خلق ویتنام امور داخلی خویش را خود حل و فصل کند. راه دیگری ممکن نیست

پیروزیهای مایه قوای انقلابی جهان نیز تعلق دارد

چنگ بزرگ مقاومت که خلق ما بر علیه تجاویز امریکا و بخاطر نجات

سرشت . . . بقیه از صفحه ۱ سوخظری شوهرم روزم ایران نیست محافل ارتجاعی روزنامه های سازمان امنیت ایران دمکراتیک ماهیت حکومت شوروی را نهیبت میگویند .

روزگاری که حکومت شوروی هنوز به سیاست ضد مارکسیستی کنونی خود نگرانید میبود چنان ضد ملی و امپریالیستی نگراند "امیکید" و اعلام میدادند که چنین پیمانهای که ایران را به فزونی در رستاخیز ملیستها می سپارد و مصورشیا یکا متحد شوروی در میآورد باید دوستی شوروی و ایران سازگار نیست، ولی چند سال بعد که حکومت شوروی در رستاخیز ملیستها ضد مارکسیستی در فظیضه بقیه همین پیمان تن در داد و هیئت نماینده کی اعزامی او در تهران فقط با این شرط که دولت ایران قرارداد نظامی جدیدی با امریکا امضا نکند حاضر شد با امضا موافقت نامه دوستی و همکاری با دولت ایران برپا آورد. اگر چنین موافقتنامه ای با امضا در رشتن آن بود که حکومت محمد رضا شاه با این پیشینهاد وقتی نتواند با امریکا قرارداد نظامی اسفند ۱۳۳۷ (۱۹۵۸) را منعقد سازد آنرا بنظر میسرید که دیگر دولت سوسیالیستی نمیتواند با دولتی که بموجب چنین قراردادی با امریکالیست ها اجازه اشغال خاک خود را داده است، سر دوستی داشته باشند.

اما چندی نگذشت که حکومت شوروی بنا بر زمینه همکاری با امپریالیسم امریکا و بمنظور تأمین منافع ناپاک با حکومت ایران مانند حکومتی "معصوم" وارد مذاکرات مجدد و بند بست های تازه گردید و کار را بجائی کشانید که امروز در جلوی چشم مردم جهان است .

این وقایع تاریخی نشان میدهد، که از میان این دو حکومت که یکی روزگاری مجری سیاست اصولی انتزاعی سوسیالیستی بوده و دیگری پیوسته در قید سیاست ضد ملی و وابسته به امپریالیسم بوده است، آن که موضع خود را رها کرده و به موضع دیگری پیوسته، حکومت شوروی است نه حکومت محمد رضا شاه .

البته محمد رضا شاه هم در اثر تخریبی که در حکومت شوروی روی داده شکل سیاست ضد ملی و ضد کمونیستی خود را عوض

ملی از پیش میبرد ظهور منسجم مبارزه انقلابی توده های زحمت کش و خلقهای اسیر جهان بر علیه امپریالیستهای امریکا، بخاطر صلح، استقلال ملی و دمکراسی و ترقی اجتماعی است و تیردی است در خط مقدم این مبارزه . پیروزی های مایه قوای انقلابی جهان نیز تعلق دارد . از آنجا که خلقهای محالک دیگری با این حقیقت و قوی کامل دارند که جنبش پیشینیانی از خلق ما روزیروز با قدرت افزون تر، دامنه گسترده تر و عریق بیشتر تکامل می یابد . بتدریج عملاً جبهه های از خلقهای جهان بمنظور پیشینیانی از ویتنام در مبارزه بر علیه امپریالیسم تجاویز گار امریکا بوجود آمده است . . . به مناسبت بیست و دومین سالگرد تاسیس جمهوری دمکراتیک ویتنام شمالی . . . مایه خلق برادر چین که موافقت با ساختن سوسیالیسم مشغول است درود میفرستیم . جمهوری کبیر تودهای چین در نبرد کونی ما بر علیه تجاویز امریکا و بخاطر نجات ملی تکلیفهای بزرگ پشت جبهه ماست . خلق چین برادر ماست و چنانچه به ما نزدیک است که لب بدندان . جنبش "مبارزه بر علیه تجاویز امریکا" برای کک به ویتنام " که صد ها میلیون از مردم چین را در بر میگیرد . بنسایت دامنه خود، عمق خود، نیرو و فضای خود، . . . مظهر و رخشانانی از همبستگی مبارز جویانه خلقهای دو کشور است

آزمایش موفقیت آمیز بمب هیدروژنی و موشکهای حامل بار اتمی کک فعلی آنهای به تقویت کشورهای سوسیالیستی است، برای خلق هائیکه در راه استقلال ملی مبارزه میکنند بسیار نیرو بخش است، مشوق مبارزه ما بر علیه تجاویز امریکا و بخاطر نجات ملی است . . . بنسایت بیست و دومین سالگرد تاسیس جمهوری دمکراتیک ویتنام شمالی، خلق ما به طبقه کارگر بین المللی، به خلقهای

کره است . این ابتکار و نیت تعلیم امپریالیست ها است .

همه جا کارکن امپریالیسم از امریکائی جنوبی گرفته تا اندونزی سیاست خود را در برابر حکومت شوروی با واقعیت امروز تطبیق داده اند . محمد رضا شاه در عین حال که پایه های اصلی سلطه اقتصادی و سیاسی و فرهنگی امپریالیست ها را در ایران محکم نگاه داشته است از قراردادهای و کلهای اقتصادی شوروی برای تخفیف بحرانهای اقتصادی استفاده میکند و از پیشینیانی معنوی او بهره بر میآورد . برای محمد رضا شاه چه فرصتی از این گرانبهار که نمایندگان دولت شوروی شناخون وی باشند و او را " رهبر عالیقدر ملت ایران " معرفی کنند تمام هیولتها و میلیاردهای محمد رضا شاه نمیتوانست حتی یک جمله ستایش آمیز از یک دولت سوسیالیستی برای او بخرد . ولی اینک دولتتهائی که هنوز نام سوسیالیست دارند و در رأس آنها استعمار شوروی این همه تعلقات درباری در پای شاه میریزند . رژیم ضد ملی ایران از این گنج باد آورده برای غریب توده ها و نفاق افکنی در جبهه نیروهای ملی و دمکراتیک سود فراوان بر میدارد . سیاست ایران در مقابل شوروی گوشه ای از سیاست نو استعماری امپریالیسم است .

مجله خوانند نیبه در شماره ۴ اسفند سال گذشته پی از اشاره به " خطر شمال " و اظهار مسرت از اینکه " یک چنین خطر جدی بخواست خدا و بر اثر تحمیر اوضاع بعد اقل رسیده و یا بگلی دارد از بین میروند " بهیود روابط شوروی و ایران را تذکر شد چنین نوشت : " به نظر ما نخستین کسی که باید از این کار خرسند و خوشوقت و در عین حال متنون بشود امریکاییها و آنتی کمونیستها باید باشند . " در اینجا باید نام روزیونیست ها را هم اضافه کرد که از این کار " خرسند و خوشوقت " در عین حال " متنون " اند اما نزدیک دولتی شوروی به رژیم کودتا پیش از آنکه ماهیت این رژیم را بیوشانند ماهیت دولت امروزی شوروی را فاش میکردند و این هم کله بزرگی به بیداری و هشیاری خلق ایران و خلق شوروی است . خلق شوروی سابقه انقلابی درخشان و پر افتخاری دارد . حکومت روزیونیست ها بر خلق شوروی گذرا است . این خلق و خلق ایران در توفانهای بزرگ دست برادری به یکدیگر داده اند . این برادری برای ما بسیار گرامی است ، ما یقین داریم که در پیکار عظیمی که خلق دو کشور بر علیه امپریالیسم و روزیونیسم و ارتجاع در پیش دارند برادری ما آید یه خواهد شد .

ممالک آسیا و امریکا و امریکای لاتین و به خلقهای شیفته صلح در سراسر جهان و از آن جمله خلق امریکاکه از مبارزه ما بر علیه تجاویز امریکا و بخاطر نجات ملی فعلاً نه پشتیبانی می کند در برادری ما نه میفرستد و از آنها صمیمانه سپاسگزاری میکند . . .

نگهای . . . بقیه از صفحه ۴
روزیونیستهای شوروی تا پیش از کودتای امپریالیستی یونان کشور مذکور را بعنوان نمونه پیروزی سلامت آمیز خلق معرفی میکردند و به روزیونیستهای جهان و از جمله ایران اندرز میدادند که براه حزب کمونیست یونان بروند ، سازمان خود را منحل کنند شعارهای مبارزه جویانه را پوشیده دارند ، راه پارلمانی را یگانه راه خود بشمارند تا " موزکاسی " یونان در کشور آنها بنشیند یکی از روزیونیستهای ایران در مجله دنیا (سال ۷ شماره ۴) نمونه یونان را بعنوان " مثال بارز " محقق نشینی های ارتجاع و امپریالیسم " ذکر کرد که در آنجا " شاه باقی ماند ولی حکومت فاشیستی جای خود را بدو داد که تا حد و دی مقررات قانونی را مراعات میکند " و آرزو کرد که چنین درخت باوروی در ایران نیز بدست محمد رضا شاه برای مردم کاشته شود . ولی روزیونیستها هنوز در خواب خوش بودند که از تن یونان وارد عمل شد و ثابت کرد که هیئت حاکمه تا وقتی که قوای صلح دار از دستبرد بحق خلق بازمی ایستد و خلق تا وقتی که قوای صلح ندارد از هیچ حقی برخوردار نیست .

بدیهی است که هر مبارزهای و حتی انصاف حامی اقتصادی نیز تدارک لازم دارد . بدین وسیع تودها هیچ مبارزه ای بسر انجام نمیرسد . مبارزه قهرآمیز هم که مثل عمده و طالبی مبارزه است تدارک لازم دارد . پیش از همه تدارک لازم دارد . نخستین قدم در این راه نفوذ دادن فکر مبارزه قهرآمیز در توده هاست این کاری است که هیچگاه در کشور ما صورت نگرفته است . مارکسیست ها - لنینیست ها از هیچ شکل مبارزه روگردان نیستند ولی از هر مبارزهای و از هر فرصتی برای تبلیغ این فکر استفاده می کنند که فقط مبارزه قهرآمیز ستوان حقوق خلق را بدست آورد و نگهداری کرد . وظیفه همه انقلابیون ایران سازمان دادن این مبارزه است .

عنوان جدید کانیت X GIOVANNA GRONDA
24030 VILLA D'ADDA/ITALY
حساب بانکی CONTO 12470/11
CREDITO ITALIANO AGENZIA 16
MILANO / ITALY

دوستان!

تشریه " توفان " خد مکرار انقلاب ایران است . این نشریه فاشی داشت و دارد . ولی در طی مبارزات روزانه پیوسته بهبود یافته و خواهد یافت بویژه اگر همیک از هواداران دوستان و خوانندگان در بهبود آن تقار انشروکت جویند . از " توفان " انتقاد کنید نظر یات خود را در باره بهبود آن تنظیم کنید صریح ما ارسال دارید موضوعات نوشتنی را پیشنها بدیدید در نوشتن مقالات سهیم کردید . انتقادات نظریات و مقالات خود را بدین نکرنام یا نام نام مستعار به آدرس " توفان " ارسال دارید . در فروش و پخش " توفان " ما را مدد کنید .

" توفان " و نشریات ضمیمه آن با منابع چاپخانه های هواداران " توفان " میچرخد . انتشارات " توفان " افزایش صفحات آنرا افزایش جزوه های ضمیمه آن ارتباط مستقیم با وضع مادی دارد . کک هواداران دوستان و خوانندگان " توفان " در این زمینه میتوانند نقش بزرگی ایفا کنند . متاسفانه در این موضوع خاص نشریه ما اخذ آیدرمان بقیاس وسیع میسر نیست . این برعهده خود خوانندگان است که آیدرمان نشریه را با اسباب برسانند . هر کس که شمس قدسی در راه پیشرفت " توفان " است . از هر کس که هر قدر کوچک باشد در رخ نوریزد . صلح آیدرمان و اعانه خود و سایر دوستان و آشنایان را مستقیماً به حساب نشریه بریزید .

بهای " توفان " در ایران ۲ ریال ، در ترکیه معادل ۲ ریال و در سایر کشورهای معادل ۶ ریال است . بهای اشتراک یکساله " توفان " معادل ۱۰۰ ریال است .



مقام و اهمیت انقلاب فرهنگی پروتاریائی

در ساختمان سوسیالیسم و کمونیسم

سرمایه داری نیست .

تجربه ساختمان سوسیالیسم در کشورهای مختلف نشان میدهد که علیرغم پیروزی انقلاب اقتصادی و استقرار استحکام دیکتاتوری پروتاریا، علیرغم پیروزی انقلاب اقتصادی و استقرار استحکام مالکیت سوسیالیستی و تولید سوسیالیستی، پروتاریا هنوز از بازگشت نظام کهنه در امان نیست. دشمنان طبقاتی که از اعمال قهر ضد انقلابی برای بازگشت به گذشته طرفی نبسته اند اکنون میکوشند از طریق سلامت آمیز و پیروزه یا مبارزه در زمینه مسائل فرهنگی و ایدئولوژیک راه را برای استقرار مجدد نظام کهنه هموار سازند: آنها میکوشند از ایدئولوژی کهنه، عادات و رسوم کهنه، افکار و عقاید کهنه که هنوز در جامعه و در میان توده های مردم ریشه های زهرآگین عصبی دارند استفاده کرده و زمینه فکری را برای بازگشت به نظام منسوخ فراهم آورند. در اینجا است که رویزنیسم بکله آنها میشتابد؛ یار و یاور آنان میگردد. رویزنیسم در واقع همان ایدئولوژی بورژوازی است که بر آن لباس مارکسیسم - لنینیسم پوشانده اند. رویزنیست ها عاملین بورژوازی در جنبش کمونیستی و کارگری اند. تجربه محفل پتروفی در ضد انقلاب مجارستان که اکنون در کشورهای چکوسلواکی، لهستان و حتی اتحاد شوروی تکرار میشود، تجربه اتحاد شوروی پس از گذشت پنجاه سال از انقلاب اکتبر آموزنده است. در صورتیکه در زمینه فرهنگی و ایدئولوژیک انقلابی بوقوع نمیبردند، تحول قهقرازی جامعه امری ناگزیر است. به این علت است که انقلاب سیاسی و انقلاب اقتصادی پروتاریا باید بناچار با مرحله انقلاب فرهنگی پروتاریائی تکمیل گردد تا ناطی آن ایدئولوژی بورژوازی که هنوز بر جای مانده با ایدئولوژی پروتاریائی جانشین شود و سوسیالیسم از خطر بازگشت به نظام سرمایه داری برای همیشه مصون ماند. مرحله انقلاب فز هنکی طولانی ترین مراحل انقلاب پروتاریائی است زیرا که آماج آن یعنی نهاد و سرشت انسان قرنیهاست با افکار، اخلاق، عادات طبقات استمارگر خو گرفته است.

روزانه زن من ژیاگو در این زمینه چنین مینویسد: «انقلاب کبیر فرهنگی کونی نخستین انقلاب از این نوع است. در آیدئو چنین انقلابی ناگزیر بارها تکرار میشوند. رفیق مائوتسه دون در سالهای اخیر غالباً خاطر نشان ساخته است که فرجام انقلاب یعنی حل این مسئله که سر انجام پیروزی با کی است؟ محتاج به یک دوران تاریخی طولانی است.

اگر این انقلاب با قاطعیت انجام نگیرد بازگشت سرمایه داری در هر لحظه امکان پذیر است. تمام اعضای حزب همه مردم در سراسر کشور باید از این اندیشه محرف و با شوق میتوانند با آرایش خوبانند، پس از یک، دو سه چهار انقلاب کبیر فرهنگی همه چیز بخوبی جریان خواهد یافت. ما باید بایسن امر توجه خاصی مینول داریم و بیچیزچیز از هشامی خورونگهیم».

از اینجا اهمیت تاریخی انقلاب فرهنگی پروتاریائی در ساختمان سوسیالیسم روشن است و انقلاب فرهنگی خلق چین که هم اکنون در زیر رهبری رهبر بزرگ جنبش کمونیستی جهانی رفیق مائوتسه دون جریان دارد اختصاص به چین و به انقلاب چین ندارد بلکه دارای جنبه جهانی است. ساختمان سوسیالیسم در هر کجا که پیش آید باید مرحله انقلاب فرهنگی - پروتاریائی را بپیماید. تئوری انقلاب فرهنگی پروتاریائی از تجربه ساختمان سوسیالیسم در چین در اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی برخاسته است. رفیق مائوتسه دون با جمع بندی تجربیات مثبت و منفی این کشورها پیروزه با بررسی پیدایش رویزنیسم در اتحاد شوروی پس از مرگ استالین تئوری انقلاب فرهنگی پروتاریائی را تدوین کرد و به جنبش کمونیستی جهانی عرضه داشت و تئوری انقلاب پروتاریائی را با آن تکامل بخشید.

انقلاب فرهنگی پروتاریائی که در واقع با نهاد و سرشت

مارکسیسم لنینیسم میاورزد که مسئله اساسی هر انقلابی از آن جمله انقلاب پروتاریائی، در دست گرفتن قدرت سیاسی است؛ پیش از نیل به قدرت سیاسی سخنی هم از انجام وظائف انقلاب نمیتواند بماند. اما از اینجهت پروتاریا برای ایجاد جامعه سوسیالیستی نخست طبقات استمارگر را از اریکه قدرت بریزد میکشد؛ دستگاه دولتی این طبقات را درهم میکشد و دولت خود را بجای آن مینشاند.

این مرحله از انقلاب سوسیالیستی به پروتاریا امکان میدهد که در سیاسی و از آنجکه دشمن طبقاتی بدر آورده ولی این هنوز به آن معنی نیست که انقلاب سوسیالیستی بر دشمنان خود فائق آمده است. دشمنان طبقاتی میکوشند که دو تسخیر شده را با اعمال قهر ضد انقلابی از نو تصرف خود در آورند. اگر در کمون پارسی بورژوازی به بازنس گرفتن در سیاسی توفیق یافت و انقلاب را در خون غرق ساخت در انقلاب اکتبر کوششهای بی بجائی نرسید و انقلاب توانست در سیاسی راهچستان در دست خود نگاهدارد و پیوسته در آن استحکام بخشد. مرحله انقلاب اقتصادی، در اقتصاد را از زور ژوازی می ستاند؛ پایگاه های اقتصادی، مالی بورژوازی را با مالکیت اجتماعی همه خلق در میآورد. پیروزه با اشتراکی کردن تولید کشاورزی مالکیت سوسیالیستی و تولید سوسیالیستی را بجای مالکیت خصوصی و تولید خرد کالائی مینشاند.

انقلاب اقتصادی که در شرایط دیکتاتوری پروتاریا صورت میگردد با برخورد های طبقاتی شدید همراه است؛ پیروزی این انقلاب هنوز مبارزه طبقاتی پایان نمیدهد. مبارزه طبقاتی هم چنان ادامه مییابد در تمام دوران تاریخی ساختمان سوسیالیسم جریان دارد. این مبارزه گرچه اشکال گوناگون بخود می گیرد ولی در ماهیت خود چیزی جز مبارزه میان سوسیالیسم و

تکفای... یعنی از

اینک با این سؤال دیگر ببرد ازیم که چرا نبرد قطعی و آخرین فقط بشکل قهر آمیز مبارزه بوقوع مینویسد .

زیرا که بهترین وسیله فرمانروائی هر طبقه یا طبقات فرمانروا قوی مسلح آنهاست. هر هیئت حاکمه در هر لحظه حساس که حکومتش در اثر طغیان توده ها، بنظر افتد، کان این قوا را بمیدان خواهد فرستاد. و تا این قوای مسلح برجاست حکومت اوسریاست تاریخ نشان نداده و نمیدهد که طبقه و طبقات حاکمه ای قوای مسلح خود را که برای روز "واقعه" بروراند مانند ناگهان رداغ گویند و دوهای خود را بدست خود بربری توده های انقلابی بکشایند.

فقط کبیر و نایب و ساختن این قوای مسلح است که میتوان در های حکومت را کسود و طبقه یا طبقات فرمانروا را از سند بریز آورد. در تاریخ معاصر ایران سرکوب نهضت آذربایجان در سال ۱۳۲۵، یورش به نیروهای مومکرانیک در بهمن ۱۳۲۲ کودتای خاندانه ۱۳۳۲ کشتار مردم بجان رسیده در خرداد ۱۳۴۴ که همگی بدست نیروهای مسلح محمد رضا شاه انجام یافت از این حیث آموزنده است. صفحه خونینی که با سرنیزه ارتش ارتجاعی در تاریخ ملل اندونزی و یونان نوشته شده و میشود از این حیث عبرت انگیز است.

بدیهی است که هیئتهای ارتجاعی فرمانروا - آنها هم درجهان شونی ما - همیشه بیک شیوه حکومت نمی کنند. آنها کهنه کارند حیلمازند و درشتی و تبری را بهم آمیخته اند؛ یک روز ندان بچکر میگردد و اغماض میکنند و حتی سر تعظیم فرود میآورند تا روزی بکیرا و زندگی بیشتر روی شرمی تا بقدر ندان بگویی خلق فرو برند. عقب نشینی آنها در ورخیزی برای حملات جدید است. وای بر کسانی که این تئوریه ها را از رنباهند و آنها بتغیر ماهیت هیئتهای فرمانروا تعبیر کنند. وای بر رویزنیست ها که این تغیر شیوهها را بپایان ستایشگری رژیمهای ارتجاعی و وسیله فریب توده ها مرد پهاختانند.

بقیعه در صفحه ۳

افراد جامعه سر و کار در آن و باین منظور انجام میگردد که یکبار برای هدایت ایدئولوژی کهنه، اخلاق و سنن اجتماعی کهنه را از جامعه براندازد و وظیفایست دشوار و طولانی کهنه - تواند دهها سال بلکه قرنیها بطول انجامد، ولی بهرحال از آن نمیتوان طفره رفت زیرا که تنها با عبور از این مرحله از انقلاب پروتاریائی است که میتوان ساختمان سوسیالیسم را ادامه داد و بسوی جامعه کمونیستی پیشرفت.

ایدئولوژی کهنه، عادات و اخلاق کهنه در نهاد افراد جامعه محملی است که دشمنان طبقاتی از آن برای پیشبردن مقاصد کربه خود استفاده میکنند. باید این ایدئولوژی و این عادات و اخلاق را ریشه کن کرد و بجای آن ایدئولوژی و اخلاق پروتاریائی نشاند. فرهنگ تازه ای بر روی ویرانی های فرهنگ کهنه ایجاد نمود.

آنجا که سخن از انقلاب بماند باید ناگزیر فعالیت آفریننده توده های خلق مطرح میشود. انقلابی که توده های وسیع مردم در آن شرکت ندارند "انقلاب شاهانه" است که فقط پدر "پدر تاجدار" و شهادانی که بدور او گرد آمده اند میخورند. پدر رویزنیستهای حزب توده ایران میخورد که با مناقش جنبه های مثبت آنها بیرون بکشند. در انقلاب کبیر فرهنگی خلق چین سه ماهه صد ها طلیون از کارگران، دهقانان و روشنفکران انقلابی، شرکت دارند. در این میان نقش بسیار مهمی برعهده جوانان است و نمیتواند نباشد. جوانان امروز مردان فرد آیند و آینده متعلق به آنها است. بدیهی است برای صیانت پیروزیهای سوسیالیسم از دستبرد رویزنیسم و دشمنان طبقاتی باید از همه کمون جوانان را با ایدئولوژی پروتاریائی پرورش داد. نه تنها آنها را با جنبش کمونیستی پروتاریائی آشنا کرد، بلکه عملیگر انقلاب کشانید. بنا آنها با تجربه و خوش اهمیت مبارزه ایدئولوژیک را دریابند. آگاهانه و با دست خوش دنیای کهنه را ویران کنند و راه را بر بازگشت نظام کهنه ببندند. از سوی دیگر جوانان چون در آغاز زندگی خویش اند، محافظه کاری در آنها ریشه ندارد و آنها با سهولت اندیشه های انقلابی را فرا میکنند و در فعالیت خود دیگر مینندند. شرکت جوانان در انقلاب امکان میدهد که نسل های وارث انقلاب به آرمانهای انقلاب وفاداری بیچون و چرا نشان دهند و از آنها از دل و جان دفاع کنند. بدون تربیت چنین نسلهایی، سرنوست انقلاب را نمیتوان تضمین کرد و در پیازود انقلاب به شکست خواهد گرائید. هستند کسانی که با این خصویات جوانان توجه ندارند و از این رو در درک انقلاب فرهنگی دچار گمراهی میشوند.

این است مقام و اهمیت تاریخی و تئوریک انقلاب فرهنگی پروتاریائی. بدیهی است که دشمنان سوسیالیسم و رویزنیسم نیستند انقلاب فرهنگی خلق چین را آماج گرفته اند. ما این انقلاب ناقوس مرگ رویزنیسم است. ناقوس مرگ بورژوازیست.

لعنت ابدی

مجله معروف شوروی بنام "مصر جدید" بمناسبت حوادث اخیر مصر از توطئه مارشال عامر یاد کرده و نوشته بود:

"نیروهای خرابکار به پختگی سیاسی خلق و ارتش کم بیسا داده بودند... دسیسه دست راستها فاش شد و حمران مرتفع گردید"

ولی نه مجله مذکور و نه مجلات دیگر شوروی و نه هیچیک از رویزنیست های جهان یاد آور نمیشوند که این مارشال عامر دست راستی، خرابکار، توطئه گره "نشان قهرمان اتحاد شوروی" داشت و این نشان را همان کسی به سینه او زد که با حیثیت دنیای سوسیالیسم با نام اتحاد شوروی دلال وار خورشید بود.

لعنت ابدی بر او باد!